ادامه از صفحه اول

خطر افزایشی شدن نرخ تورم

در سه‌ساله اخیر، نرخ رشد منفی سرعت پول، بازدارنده آثار متصور نقدینگی افزایش‌یافته بر اقتصاد شده است. به‌درستی، با ریسک صفر و نرخ بهره حقیقی بسیار بالا برای انواع سپرده‌ها که بخش اعظم نقدینگی کشور را تشکیل می‌دهد، چه انگیزه‌ای برای مالکان آن برای تبدیل به دارایی‌های دیگر، خریدوفروش، افزایش تقاضای مصرفی، سرمایه‌گذاری، خرید ساختمان و... و درنهایت انتقال مالکیت آن به سایر فعالان اقتصادی وجود دارد. به این ترتیب است که سرعت گردش نقدینگی یا به بیان دیگر، دفعات انتقال مالکیت نقدینگی کاهش یافته است. در نتیجه با وجود افزایش نقدینگی، نرخ تورم کاهش یافته است و تنگنای اعتباری و عطش نقدینگی و حاکمیت نرخ بهره بالا ادامه دارد. نتیجه آنکه با ادامه این سیاست، خطر بزرگ برگشت تورم و لطمه به نظام مالی پیش‌بینی می‌شود.

چاره کار بسیار پیچیده و زمان‌بر بوده و در گروی یک سلسله اصلاحات ساختاری و اصطلاحا اعمال مقررات تنظیمی در نظام بانکی است. اما در کنار آن، تنظیم و اعلام یک برنامه پویای حداکثر یک‌ساله برای تعدیل نرخ بهره در نظام بانکی تا سطوح نزدیک به نرخ تورم انتظاری نیز الزامی است تا موجبات افزایش سرعت گردش نقدینگی به جای افزایش خود نقدینگی فراهم شود. در کنار آن نرخ رشد نقدینگی نیز باید به‌شدت کنترل شود. بی‌توجهی به سرعت گردش پول، حلقه مهم فراموش‌شده در تنظیم سیاست‌های پولی است. می‌گویند تعدیل نرخ بهره را باید به اقتصاد بازار سپرد. می‌گویم اول آنکه در نظام بانکی کشور بازاری دیده می‌شود که منتظر باشیم قوانین اقتصاد بازار در آن عمل کند؟ دوم آنکه علم اقتصاد فقط محدود به اقتصاد بازار نیست. بحث‌های اقتصاد کینزی، کینزی جدید، پساکینزی، چندتعادلی، تعادل غیربهینه، انحصار، تبانی، چسبندگی‌ها، تجربیات ۱۹۹۷ شرقی، آسیای جنوب شرقی، بحران مالی ۲۰۰۸، ضرورت اعمال مقررات تنظیمی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی، سیاست‌های کلان احتیاطی و... هم وجود دارد. سوم آنکه چقدر باید صبر کرد؟ به قول کینز در بلندمدت همه مرده‌ایم و به زبان دیگر، صورت‌مسئله پاک شده است. به سال چهارم و آخر دولت یازدهم نزدیک می‌شویم. می‌گویند در صورت کاهش تنظیمی نرخ بهره توسط بانک مرکزی، بعضی از مؤسسات مالی دستورالعمل‌های بانک مرکزی را رعایت نمی‌کنند. می‌گویم اول آنکه سهم این گروه از بانک‌ها و مؤسسات مالی به ۱۰ درصد کل نظام بانکی هم نمی‌رسد و به خاطر آن، کل اقتصاد و تولید را به گروگان نمی‌گیرند. دوم آنکه اگر بانک مرکزی با امکانات سیستم مکانیزه پرداخت‌ها، داشتن توانایی نظارت کامل بر گردش تراکنش‌ها و نیاز و اتکای کامل مؤسسات بانکی به بانک مرکزی، اگر مقررات تنظیمی خود را اعمال نمی‌کند، جای بسیار سؤال است. سوم آنکه اگر نگویید قیاس مع‌الفارق است، می‌گویم بانک‌های بزرگ اروپایی از ترس تحریم‌های داخلی آمریکا در مبادلات بانکی با ایران احتیاط می‌کنند و در گذشته جریمه‌های میلیارددلاری را پرداخته‌اند. حال چگونه است که بانک مرکزی ما در اعمال مقررات تنظیمی بر بانک‌های داخلی و یافتن بانک‌های متخلف ناتوان است. می‌گویند فاصله نرخ بهره بازار غیررسمی با بازار رسمی حداقل بیش از ۱۰ درصد است و بنابراین نرخ تعادلی بازار مالی باید بین ۳۶ تا ۴۸ درصد باشد. می‌گویم در اروپا و آمریکا هم که در بازار رسمی نرخ بهره بین صفر تا سه درصد است، تأمین منابع مالی با نرخ بهره صددرصد هم دیده می‌شود ولی کسی نمی‌گوید نرخ بهره تعادلی باید صددرصد باشد و می‌گویند و می‌گویم از این باب زیاد است. وظیفه خود می‌دانم صریح عنوان کنم؛ وقت تنگ است. سایه شوم برگشت تورم، جهش نرخ ارز و تخریب نظام مالی در پیش است که می‌تواند دستاوردهای بسیار بزرگ سه‌ساله گذشته دولت یازدهم را بر باد دهد. باشد که هرگز چنین نشود.

۵۰ کیلو آلبالو به قیمت طلا!

این دو پرسشی است که چالش اخیر فیلم سینمایی «۵۰ کیلو آلبالو» را در قالب و قاعده پذیرش محصول و یا خرید و فروش کالا از سوی مخاطبان خویش به بحث می‌کشد. از این منظر اگر کالایی در جامعه کنونی ایران با استقبال فراوان روبه‌رو شود، ریشه آن یا در فرهنگ و یا در اقتصادش نهفته است. فرهنگ از آن رو که کالای مزبور با الگوهای فرهنگی جامعه همسانی و همخوانی دارد و اقتصادی از آن نظر که با سبد کالای خانواده هماهنگ است. اینکه فیلم مذکور با چنین رقمی در شرایط اقتصادی امروز جامعه با فروش سرسام‌آوری همراه می‌شود، انطباق فرهنگ و اقتصاد با محتوای این محصول سینمایی است و جای هرگونه شبهه در اکران آن را از بین می‌برد و بهانه‌های گوناگون از جانب دست‌اندرکاران وزارت و سیاست، محلی از اعراب ندارد. طبیعی است دراین‌میان اشتباه در محاسبات نظارتی، آن هم از سوی شورایی به نام «شورای صدور پروانه نمایش» در وزارتخانه متولی فرهنگ، دور از ذهن است و در آن شبهات دیگری نمایان است. و اینکه وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی بعد از صدور مجوز و فروش نسبتا نجومی آن اظهار به این مضمون دارد که...

ادامه در صفحه ۱۹

حسینی‌هاشمی در گفت‌وگو با «شرق» طرح ادغام، انحلال و اصلاح ساختار بانک‌ها را بررسی کرد

شکست بانک مرکزی از سهام‌داران پشت پرده

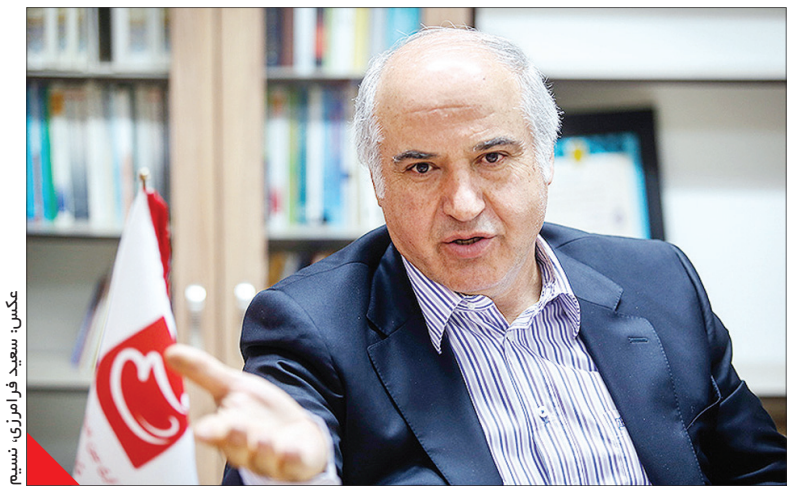

عکس: سعید فرامرزی نسیم

شرق: مسئولان بانک مرکزی، نگران از روند رو به افزایش تعداد بانک‌ها، این بار قصد دارند برخی از بانک‌ها را با هم ادغام کنند و برای همین در حال مطالعه طرحی برای ادغام، انحلال و اصلاح ساختار بانک‌ها برای کاهش تعداد آنها هستند تا مشخص شود، کدام مؤسسات و بانک‌ها باید در یکدیگر ادغام شوند. اکبر کمیجانی، قائم‌مقام بانک مرکزی، دراین‌باره اظهار کرده است: گرچه هنوز برنامه خاصی برای چگونگی ادغام و اصلاح ساختار بانک‌ها وجود ندارد، اما به‌هرحال بانک مرکزی مطالعات کارشناسی خود را برای این مهم در دستور کار قرار داده است. به گزارش مهر، کمیجانی درباره اینکه کدام یک از بانک‌ها با یکدیگر ادغام می‌شوند، گفته است: هنوز برنامه‌ای وجود ندارد و به‌ویژه مؤسسات اعتباری غیردولتی برای برنامه‌ریزی در این زمینه باید در مجامع و هماهنگی با سهام‌دارانشان، تصمیم‌گیری‌های لازم را انجام دهند. نکته درخور توجه این است که بانک مرکزی در حالی از ادغام بانک‌ها سخن به میان می‌آورد که به گفته سیدبهاءالدین حسینی‌هاشمی، مدیرعامل اسبق بانک‌های صادرات و سرمایه، ما اصلا قانونی برای ادغام بانک‌ها نداریم. ضمن اینکه منظور مسئولان از اصلاح ساختار بانک‌ها نیز بیشتر تمایل به اصلاح رفتار آنهاست، تا بانک‌ها بیش‌ازپیش در برابر سیاست‌های تکلیفی و تسهیلات تحمیلی سر به زیر آورند. حسینی‌هاشمی به «شرق» می‌گوید: ادغام بانک‌ها یک رویه متداول و معمول جهانی است و ربط چندانی به کم و زیاد بودن تعداد بانک‌ها ندارد. برای این کار ابتدا باید زمینه مشارکت بانک‌ها فراهم شود تا با اختیار و برای بهبود عملکرد اقتصادی و افزایش سودآوری خود ادغام شوند. مشروح گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

گفته می‌شود زیادبودن تعداد بانک‌ها یکی از مشکلات نظام بانکی کشور است و گویا بانک مرکزی نیز در حال مطالعه طرحی برای ادغام، انحلال و اصلاح ساختار بانک‌ها برای ساماندهی و کاهش تعداد آنهاست. ما چند بانک داریم و چه تعدادی از آنها باید ادغام شوند تا این حوزه ساماندهی شود؟

ما ۴۰ بانک و مؤسسه مالی و اعتباری مجاز داریم؛ اما بحث ادغام بانک‌ها یک مقوله متداول در عرصه بانکداری همه کشورهاست و به تعداد بانک‌ها و کوچکی و بزرگی آنها هم چندان ارتباطی ندارد. ادغام به خود بانک‌هایی بستگی دارد که در عرصه خاصی فعالیت مشابه و همسان دارند که به‌تنهایی هزینه زیادی را برای اداره بانک و ارائه خدمات متحمل می‌شوند و در مجموع نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری آنها پایین است. در حقیقت این بانک‌ها برای نجات خود طالب ادغام می‌شوند. در کشور کوچکی مثل امارات حدود ۶۰ بانک و مؤسسه وجود دارد و در آمریکا هم دو، سه هزار بانک فعالیت می‌کند؛ بی‌دلیل نمی‌شود گفت این تعداد بانک کم یا زیاد است؛ اما ارزیابی اقتصاد ایران نشان می‌دهد اکثر بانک‌ها فعالیت یکسانی انجام می‌دهند و هیچ‌کدام مزیت یا بازار ویژه‌ای ندارند. اگر این بانک‌ها بتوانند با ادغام در یکدیگر، شعب متعدد خود را کم کنند و با هزینه‌های کمتر به مشتریان بیشتری خدمات ارائه دهند، سودآوری آنها افزایش می‌یابد. پس ادغام به بانک‌های ما کمک می‌کند فعالیت خود را با هزینه کمتر و سودآوری بیشتری ادامه دهند. در شرایط فعلی اغلب بانک‌ها در مراکز اصلی تجاری شهرهای بزرگ، ساختمان‌های بزرگ و دارایی‌های زیادی دارند که در صورت ادغام می‌توانند با آزادسازی این دارایی‌ها، منابع درخور توجهی برای پرداخت تسهیلات تجهیز کنند. علاوه‌براین، هم‌افزایی حاصل از ادغام، این امکان را نیز فراهم می‌کند که بانک جدید، جدای از اینکه دیگر رقیب سابق خود را ندارد، با استفاده از توان مدیریتی و امکانات و شعب هر دو بانک به بازار بزرگ‌تری دست پیدا کند. این اتفاق برای بانک‌ها، سهام‌داران آنها و در نهایت برای اقتصاد خوب است. ضمن اینکه بانک‌ها املاک تجاری زیادی نیز دارند که پس از ادغام، آزادشدن این املاک می‌تواند قیمت املاک تجاری را کاهش دهد.

بانک مرکزی می‌تواند تعیین کند چه بانکی با کدام بانک دیگر ادغام شود؟

بانک مرکزی نمی‌تواند بانک‌ها را مجبور یا تهدید به ادغام کند؛ مگر اینکه بانکی فاقد شرایط لازم برای ادامه فعالیت باشد، کفایت سرمایه آن پایین باشد و بازدهی خوبی نداشته باشد و وقتی صورت‌های مالی آن بر مبنای شاخص‌هایی تهیه شود که امکان سودسازی به بانک ندهد، وضعیت اصلی بانک آشکار می‌شود. اگر این بانک‌ها در بورس باشند، با روی‌گردانی سهام‌داران و افت قیمت سهام مواجه می‌شوند، سهام‌داران هم اعتراض می‌کنند و سپرده‌گذاران نیز ممکن است بترسند. در این شرایط برای پیشگیری از این وضعیت‌ها، ادغام یکی از کارهایی است که می‌تواند در دستورکار قرار بگیرد.

بانک مرکزی می‌تواند از اهرم انحلال نیز استفاده کند؟

بله، همان‌طور که قبلا هم بانک تات را منحل کرد. بانک مرکزی می‌تواند برای بانکی که تخلفات آن زیاد است، ناتوانی مدیریت ریسک داشته باشد، مخاطراتی برای سپرده‌گذاران و سهام‌داران ایجاد کند یا توان اداره بانک را ندارد، اقدام کند. محدودکردن فعالیت بانک‌های متخلف تا انحلال یا اجبار به ادغام آنها از ابزارهای هر بانک مرکزی‌ای است که شامل بانک مرکزی ایران نیز می‌شود.

شما گفتید ادغام بانک‌ها باعث می‌شود دارایی بانک‌ها آزاد شود و بانک‌ها بتوانند با هزینه‌های کمتر، سود بیشتری ببرند. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد بانک‌های ما علاقه شدیدی به ایجاد شعبه و خرید ساختمان‌های متعدد دارند. چه تضمینی وجود دارد که بعد از ادغام توسط بانک مرکزی به این رویه ادامه ندهند؟

از نظر قانونی شعبه‌های بانکی باید حداقل ۵۰۰ متر با هم فاصله داشته باشند درحالی‌که حالا فاصله پنج متری هم رعایت نمی‌شود و حتی بسیاری از شعبه‌ها دیواربه‌دیوار هستند، این رقابت ناسالم بانک‌ها برای ایجاد شعبه است که وضعیت را به اینجا رسانده که البته دلیل هم دارد. ما ابتدا به‌جای اینکه بانک‌های دولتی را خصوصی کنیم، اجازه دادیم بانک‌های خصوصی تأسیس شوند. در این شرایط بانک‌های خصوصی که ناچار به تأسیس شعبه بودند، رفتند و کنار بانک‌های بزرگ دولتی، جایی که پول زیادی سپرده شده بود، شعبه زدند. مثل اینکه کنار چاه نفت، چاه جدیدی حفر کنند. بعد از آن داخل شعبه را امروزپسند و شیک کردند و با استخدام نیروهای جدید و جوان، به جذب و انتقال سپرده‌ها از چنگ بانک‌های دولتی پرداختند. حتی آن زمان گفتند بانک‌های خصوصی می‌توانند دو، سه درصد بیشتر به سپرده‌ها سود بپردازند. در حقیقت هیچ سپرده جدیدی در اقتصاد ایجاد نشده بود، بلکه در این حالت فقط مشتریان خسته از بوروکراسی و کهنگی بانک‌های دولتی به سمت بانک‌های خصوصی کوچ کردند و همین مسئله بانک‌های دولتی را نیز وادار کرد با هزینه‌های سربار، در مکان‌های بهتری شعبه جدید افتتاح کنند و به مشتریان خود نیز امتیازهای بیشتری بدهند. برخی اسم این اتفاق را تحول در بانک‌ها می‌گذارند؛ اما این رقابت ناسالم هزینه محصول بانکی در کشور ما را به‌شدت بالا برد.

حالا اگر فرضا دو بانک را ادغام کنیم، آیا تضمینی هست که تعداد شعبه‌ها، ساختمان‌ها و همچنین هزینه محصول آنها کم شود؟

بانک‌ها برای همین ادغام می‌شوند که شعبه‌ها، ساختمان‌ها و نیروی انسانی خود را آزاد کنند و هزینه‌های آنها کاهش یابد. همان‌طور که گفتم نمی‌توان بانک‌ها را مجبور به ادغام کرد؛ بنابراین تا نخواهند، ادغام نمی‌شوند، وقتی طالب ادغام باشند حتما برای کاهش شعبه‌ها، ساختمان و هزینه‌های خود دست به این کار می‌زنند. مشکل اصلی ما این است که اصلا قانون ادغام برای بانک‌ها نداریم. در حقیقت ما فقط قانونی برای انحلال داریم که براساس آن باید دو بانک منحل شده و بعد بانک جدیدی تأسیس کنند و سهام‌دار آن شوند؛ مانند بانک‌های تات و صالحین که ادغام و سهام‌دار بانک جدیدی شدند. البته این انحلال نیز به‌شدت بد و نامطلوب است، چراکه در این حالت دارایی‌های هر دو بانک باید تجدید ارزیابی و رقم‌های نجومی به سهام‌داران آنها پرداخت شود؛ بنابراین ابتدا به قانونی برای ادغام نیاز داریم.

اگر بانک‌ها ادغام شوند هم این اتفاق بد و نامطلوب می‌افتد؟

نه، در ادغام، دارایی‌ها به همان قیمت دفتری محاسبه می‌شوند.

به نظر شما ادغام بانک‌ها باعث ایجاد انحصار برای بانک‌های بزرگ پس از ادغام نمی‌شود؟

نه، انحصاری ایجاد نمی‌شود؛ چراکه باز هم تعداد بانک‌ها زیاد خواهند بود و انحصاری قلمداد نمی‌شوند. ضمن اینکه بانک مرکزی با انحصار مبارزه می‌کند. البته ناگفته نماند ما حالا ۴۰ بانک داریم و اگر بخواهند آنها را ادغام کنند، شاید تعداد آنها مثلا به ۳۴ بانک برسد. بیش‌ازاین امکان‌پذیر نیست.

چرا؟

برای اینکه بانک‌های خصوصی ما ادغام‌پذیر نیستند؛ یعنی صاحبانشان نمی‌گذارند؛ چراکه سهام‌داران اینها، بانک را برای مقاصد خودشان تأسیس کرده‌اند، نه برای جامعه. برخی از این بانک‌ها هم به نهادهای عمومی و نظامی وابسته هستند که بوروکراسی و رفتار متفاوتی دارند و برای انتفاع سهام‌داران ایجاد شده‌اند و فعالیت می‌کنند. حرفی که من از ادغام می‌زنم برای بانک‌های دولتی است؛ مثلا بانک‌های ملی و سپه، تجارت و ملت و بانک‌های صادرات و رفاه، شرایط و قابلیت ادغام دارند؛ اما فلان بانک خصوصی که از سوی عده‌ای خاص از پیمانکاران ساختمانی تأسیس شده اصلا راغب به ادغام با بانک دیگری که مثلا از سوی یک نهاد عمومی تأسیس شده، نخواهد بود. جدای از اینها، مجموعه بانک‌های خصوصی کشور حدود ۲۰ درصد سپرده‌های بانکی را در اختیار دارند و ادغام آنها تغییر بزرگی در وضعیت کلی نظام بانکداری ایجاد نمی‌کند. بانک‌های بزرگ دولتی که هرکدام چند هزار شعبه فعال و امکانات و تشکیلات بزرگی دارند، می‌توانند با ادغام، دارایی‌های هنگفت خود را به نقدینگی تبدیل کنند و برای تغییر وضعیت مؤثر باشند.

> **بانک‌های خصوصی ما ادغام‌پذیر نیستند؛ یعنی صاحبانشان نمی‌گذارند؛ چراکه سهام‌داران اینها، بانک را برای مقاصد خودشان تأسیس کرده‌اند، نه برای جامعه. برخی از این بانک‌ها هم به نهادهای عمومی و نظامی وابسته هستند که بوروکراسی و رفتار متفاوتی دارند و برای انتفاع سهام‌داران ایجاد شده‌اند و فعالیت می‌کنند**

اغلب وقتی از مشکلات نظام بانکی حرف می‌زنند، اول از تعدد شعب و رفتار بانک‌های خصوصی گلایه می‌شود. شما هم که می‌گویید اینها ادغام‌پذیر نیستند و به فرض ادغام هم این کار اثرگذاری چندانی ندارد. با این حساب آیا اصلا می‌توان ادغام را راهکار درستی برای حل مشکلات بانکی کشور دانست؟

شاید بتوان مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق‌ها را با هم تجمیع کرد و بانک جدیدی به وجود آورد. ادغام زوری نیست. بانک مرکزی نمی‌تواند بخش‌نامه بدهد که فلان بانک با فلان بانک ادغام شود. این یک حق قانونی برای کسانی است که می‌خواهند با هم مشارکت کنند؛ پس اول باید این زمینه ایجاد شود و بانک‌ها بخواهند با هم مشارکت کنند. شاید بانک مرکزی بتواند یک بانک کوچک یا یک مؤسسه مالی و اعتباری را که ناتوان از اداره امور خود است زیر پروبال بانک بزرگی ببرد تا مشکلی برای سهام‌داران و سپرده‌گذاران آن ایجاد نشود؛ اما این رفتار برای کل شبکه بانکی تعمیم‌پذیر نیست. به نظر من ادغام در حد همان بانک‌های دولتی امکان‌پذیر است و می‌تواند به بهبود اوضاع کمک کند.

به نظر شما در شرایطی که قانونی برای ادغام بانک‌ها نداریم، آیا پرداختن به اصلاح ساختار نمی‌تواند به‌جای ادغام، راهگشا باشد؟

اصلاح ساختار یعنی اینکه مطالبات معوق بانک‌ها از ۳۰ درصد فعلی به دو درصد برسد، دولت نیز همه بدهی خود به بانک‌ها را بپردازد، اوراق مشارکت سررسید گذشته را بازخرید کند و بدهی کارفرمایان و پیمانکاران طرف حساب خود را بدهد تا آنها هم بدهی خود به بانک‌ها را بازپرداخت کنند.

اصلاح ساختاری که حالا از آن صحبت می‌شود می‌خواهد چه کند؟ وقتی یک نانوایی آرد نداشته باشد، هزاربار هم که اصلاح ساختار بشود نمی‌تواند نان بیشتری بپزد چون آرد ندارد. بانک‌های ما هم منابع آزاد قابل‌وام‌دهی ندارند. ضمن اینکه برداشت من از اصلاح ساختاری که درباره آن صحبت می‌کنند، اصلاح رفتار است. مسئولان، از اهل مجلس گرفته تا وزرا و مقامات استانی، همه از بانک‌ها انتظار نامحدود دارند. وقتی هم می‌گویند بانک‌ها باید اصلاح ساختار شوند منظورشان اصلاح رفتار است؛ می‌خواهند رفتار بانک‌ها به‌گونه‌ای اصلاح شود که هرکسی دستور پرداخت تسهیلات داد، بانک‌ها اطاعت کرده و با سود پایین آن را پرداخت کنند درحالی‌که قیمت تمام‌شده محصول در بانکداری ایران گران است و این اصلاح رفتار اصلا در توانشان نیست.

اگر فرضا دو بانک خصوصی کشور که شعب زیادی دارند و اموال زیادی را در قالب شعبه و ساختمان بلوکه کرده‌اند را ادغام کنیم اما ساختار بانک‌ها اصلاح نشود آیا اتفاق جدیدی می‌افتد؟

ادغام تعریف مشخصی دارد. یعنی اینکه بانک‌ها بخواهند حداکثر سود را از فعالیت بانکی خود ببرند. هدف یک بانک این است که سودآوری کند و فقط برای اقتصادی‌ترکردن فعالیت خود حاضر می‌شود ادغام شود. اگر بانک‌ها احساس کنند نرخ بازدهی آنها با ادغام کم می‌شود، هیچ‌وقت به این کار تن نمی‌دهند. به عبارتی اگر بانک‌ها بخواهند دوباره بعد از ادغام در همان ساختار قبلی، سیاست‌های تجربه‌شده و غلط گذشته را ادامه دهند، ادغام نمی‌شوند.

با توجه به مواردی که مطرح کردید، آیا ادغام، انحلال و اصلاح ساختار بانک‌ها می‌تواند مشکلی از نظام بانکی کشور حل کند؟

مواردی را حل می‌کند اما نمی‌تواند همه مشکلات را از بین ببرد. اینکه نظام بانکداری ما امروز افتاده و توان برخاستن ندارد، حاصل ۴۰،۳۰ سال سیاست‌های دستوری و تکلیفی بوده که در قالب تبصره‌های بودجه و بخش‌نامه و آیین‌نامه‌های مختلف به بانک‌ها تحمیل شده است. در نتیجه این سیاست‌ها بوده که حالا بانک‌ها به‌قدری نحیف شده‌اند که از ادامه فعالیت خود ناتوانند. ساماندهی شبکه بانکداری کشور، اول از همه نیازمند اصلاح ساختار مالی بانک‌هاست یعنی باید سرمایه آنها افزایش پیدا کند و دارایی‌های سمی از ترازنامه آنها خارج شود. برای این کار هم باید پول خرج کرد تا پول تازه (fresh money) جایگزین سپرده‌های بانکی معوقی شود که دیگر قابل‌وصول نیستند. انحلال هم در موارد ضروری برای بانک‌هایی که مخل بازار پول تشخیص داده می‌شوند و ریسک بالایی ایجاد می‌کنند قابل‌اجراست. ادغام هم ابزاری است که به بانک‌ها برای بهبود فعالیت اقتصادی و سودسازی کمک می‌کند.

رشد یک پله‌ای بورس

ابراهیم دیلم
تحلیلگر بازارهای مالی

بازار بورس اوراق بهادار همچنان روزهای کم‌رمقی را سپری می‌کند و این بی‌رمقی موجب شده شاخص کل بورس اوراق بهادار نسبت به روز گذشته، یک پله رشد کند و درنهایت شاخص به رقم ۷۵هزارو ۸۷۶ واحد رسید. شرکت پتروشیمی شیراز با ثبت ۴۷ واحد افزایش و شرکت معدنی و صنعتی چادرملو با ثبت ۳۰ واحد کاهش به ترتیب بیشترین تأثیر مثبت و منفی بر شاخص را از خود بر جای گذاشتند. حجم معاملات بازار بورس در پایان روز کاری هفته به رقم ۱۸۶میلیارد تومان و بازار فرابورس به ۳۶۳ میلیارد تومان و در مجموع حجم معاملات این دو بازار به ۵۴۹ میلیارد تومان رسید. یکی از خبرهای مهم روز گذشته بازار، مربوط به عرضه سهام شرکت مدیریت انرژی امید تابان هور بود که پس از درج نام آن در تابلوی معاملات، برای اولین‌بار در بورس اوراق بهادار توسط شرکت سرمایه‌گذاری امید به تعداد ۲۳۰ میلیون سهم با قیمت هزارو ۷۸۰ ریال عرضه شد. در روزهای اخیر، بازار بورس هر روز بی‌تفاوت‌تر نسبت به روز قبل درمورد قیمت سهام شرکت‌های مورد معامله در بورس می‌شود که بخش زیادی از آن ناشی از نداشتن برنامه بلندمدت شرکت‌های حقوقی برای معاملات روزانه است؛ به‌طوری‌که در بیشتر مواقع در حد معامله‌گران حقیقی بازار که به‌سرعت براساس هیجان خریدوفروش می‌کنند، رفتار و به‌طور روزانه اقدام به نوسان‌گیری از سهم‌های تحت‌مدیریتشان می‌کنند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۵۸۷۶،۲	۱،۶۷
شاخص قیمت	۲۷۶۳۹،۸	۰،۶۹
شاخص کل (هم‌وزن)	۱۳۷۹۵،۴	−۶۳،۴۰
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۱۱۲۵۲،۵	−۵۱،۷۱
آزاد شناور	۸۴۵۳۳،۶	−۹۹،۳۶
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۲۴،۱	−۰،۲۰

از طرفی دیگر، تعلل تصمیم‌گیری مسئولان اجرائی کشور برای اقتصاد کلان است که مهم‌ترین مسئله مربوط به سیستم بانکی است. بنابراین برای رسیدن به رشد اقتصادی پنج‌درصدی به غیر از صنعت نفت، سایر بخش‌ها نیز باید رشد کنند. چون بخش‌های مهم دیگر اقتصاد کلان به‌مراتب تأثیر بیشتری نسبت به صنعت نفت در افزایش اشتغال کشور دارد بنابراین در صورت تحرک سایر بخش‌ها که موتور محرکه آن تصمیم‌گیری درباره نظام بانکی است، می‌توان به رفع رکود سنگین در فضای کسب و کار امیدوار بود و در نتیجه اثرات کاهش رکود در صورت‌های مالی شرکت‌ها نمایان می‌شود و ماحصل آن رونق دگرباره بازار سهام خواهد بود.

خبر

غول‌های نفتی جهان هم به برنامه‌های ریاضتی روآوردند

● **خبرآنلاین:** افت بهای نفت و ادامه قیمت‌های پایین، شرکت‌های نفتی بزرگ دنیا را با مشکلات مالی فراوانی مواجه کرده است. از جمله شرکت‌هایی که با مشکلات مالی شدیدی دست‌به‌گریبان شده، کمپانی نفتی لوک‌اویل، دومین شرکت نفتی بزرگ روسیه است که با انتشار صورت‌های مالی سه‌ماهه اول سال ۲۰۱۶ اعلام کرده با افت ۵۹ درصدی سود خالص مواجه است. از سوی دیگر نوسان شدید ارزش روبل، واحد پولی روسیه، در برابر دلار آمریکا و یورو، دیگر عامل افت فعالیت‌های این شرکت گزارش شده است. شرکت نفتی رویال‌داچ‌شل نیز به علت مشکلاتی از همین دست، اجرای یک پروژه وسیع صرفه‌جویی اقتصادی را در دستور کار قرار داده است. این کمپانی بریتانیایی - هلندی ۱۰ درصد از سهام خود در بخش فعالیت‌های تولید نفت و گاز را واگذار خواهد کرد. توقف فعالیت‌ها در پنج تا ۱۰ کشور، بخش دیگر این برنامه را تشکیل می‌دهد. رویال‌داچ‌شل در نظر دارد تا سال ۲۰۲۰ هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های سالانه خود را زیر رقم ۳۰ میلیارد دلار نگه دارد. هزینه‌های این کمپانی نفتی پس از خرید شرکت نفتی «بی‌جی‌گروپ» به قیمت ۴۷ میلیارد پوند افزایش یافته است.

پدرسالار سوزوکی استعفا کرد

● **ایرنا:** «اُسامو سوزوکی»، مدیرعامل شرکت سوزوکی‌موتورز که با لقب پدرسالار سوزوکی شناخته می‌شود، به‌دنبال رسوایی ناشی از انتشار اطلاعات نادرست درباره مصرف سوخت خودروهای این شرکت، از مقام خود استعفا کرد. اُسامو سوزوکی که مدیریت فنی این شرکت را نیز برعهده دارد، با پذیرش مسئولیت تخلف‌های صورت‌گرفته، اعلام کرد که به‌زودی بازنشسته خواهد شد. چهارمین خودروساز بزرگ ژاپن در ماه می (اردیبهشت) اذعان کرد که برای محاسبه مصرف سوخت برخی مدل‌های خودرو سوزوکی، از روشی نادرست استفاده کرده است. سوزوکی ۸۶ ساله همچنان ریاست هیأت‌مدیره را عهده‌دار خواهد بود، اما کناره‌گیری او از مسئولیت‌های اجرائی، به معنای پذیرش اشتباهات شرکت است.

ارز و طلا

شگفتی‌سازی طلا

● **شرق:** طلای جهانی در معاملات روز چهارشنبه رکورد زد. اونس طلا که تا چند روز پیش تا نزدیکی هزارو ۲۰۰ دلار هم سقوط کرده بود، دیروز بیش از هزارو ۲۶۰ دلار شد تا نشان دهد هنوز هم شگفتی‌ساز است. به گزارش «ایسنا» به نقل از رویترز، طلای جهانی تحت تأثیر کاهش احتمال افزایش نرخ‌های بهره آمریکا در ماه جاری که ارزش دلار را تحت فشار قرار داد، به بالاترین سطح در دو هفته گذشته صعود کرد. طلا روز دوشنبه در ۱۲۴۷.۴۰ دلار بسته شد که بالاترین قیمت در دو هفته اخیر بود. بازارهای مالی در چند روز معاملاتی اخیر اعتماد به احتمال افزایش نرخ‌های بهره آمریکا در تابستان را از دست دادند که باعث شد طلا پس از چند هفته ریزش، روند صعودی را از سر بگیرد. جانت یلن، رئیس بانک مرکزی آمریکا، در سخنرانی روز دوشنبه خود ارزیابی مثبتی از دورنمای اقتصادی این کشور داشت و اظهار کرد افزایش نرخ‌های بهره انجام خواهد شد؛ با این‌همه به زمان این افزایش اشاره‌ای نکرد. نرخ‌های بهره بالاتر، تقاضا برای دارایی‌های بدون بازده مانند طلا را محدودتر می‌کند. ویلیام وونگ، دستیار مدیر معاملات فلزات ارزشمند شرکت وینگ فانگ به رویترز گفت: بازار طلا در هفته جاری حرکت آرامی خواهد داشت و منتظر نشست سیاست‌گذاری بانک مرکزی آمریکا خواهد بود که هفته آینده برگزار می‌شود؛ به همین دلیل تغییر قابل‌توجهی پس از اعلام آمار اشتغال ضعیف ماه گذشته آمریکا روی نخواهد نداد. دیروز مؤسسه سرمایه‌گذاری تی‌دی‌اس در تازه‌ترین گزارش خود پیش‌بینی کرد قیمت طلا می‌تواند بار دیگر تحت‌تأثیر نتایج همه‌پرسی عضویت انگلیس در اتحادیه اروپا و آمارهای اقتصادی آمریکا به سطح هزارو ۳۰۰ دلاری بازگردد. در بازار طلای داخلی هم رشد سکه‌های تمام قابل‌ملاحظه و حدود ۱۱ هزار تومان در مقایسه با روز سه‌شنبه بود. در بازار ارز تهران اما بی‌خبری مانند قبل همچنان موج می‌زند.

ارز	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۴۶۰	−
یورو	۳۹۴۰	+۱۰
پوند	۵۰۴۳	+۳
درهم	۹۴۷	−۱

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۱،۰۱۵،۰۰۰	+۱۱۰۰۰
طرح قدیم	۱،۰۱۴،۰۰۰	+۱۱۰۰۰
نیم	۵۰۶،۰۰۰	+۱۰۰۰
ربع	۲۷۲،۰۰۰	+۱۰۰۰
گرمی	۱۸۱،۰۰۰	−
گرم ۱۸ عیار	۱۰۳،۲۰۰	+۱۰۰۰
اونس (دلار)	۱۲۶۰.۲	+۱۹،۴